



## بررسی اثرگذاری فرهنگ بر پیکرهی معماری ایران در دورهی معاصر

حسین میرزایی<sup>1\*</sup>، کیوان لولویی<sup>2</sup>

1- دانشجوی کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، [h.mirzaee061@gmail.com](mailto:h.mirzaee061@gmail.com)

2- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات [k.loloie@gmail.com](mailto:k.loloie@gmail.com)

### چکیده

با در نظر داشتن این نکته که در بستر اجتماعی زندگی افراد جامعه، ارزش‌هایی وجود دارند که هویت و تشخیص‌های فرهنگی آنان را تعریف می‌کنند و تا مرز تعیین فکری و سلیقه‌یی بر فرد فرد آنان تأثیرگذار هستند. می‌توان به این نکته اشاره کرد که معماری تبلور فرهنگ یک جامعه است، و از آداب، رسوم و آئین‌ها نشأت می‌گیرد و خود را در بناها منعکس می‌نماید. معماری نیز مانند دیگر عوامل اجتماعی می‌توانند در طول زمان از فرهنگ‌های دیگر تأثیرپذیر باشد و این تأثیرپذیری حتی تا جایگزینی کامل فرهنگ غیرخودی می‌توانند ادامه داشته باشد. جامعه‌ای ایرانی، اثرگذاری فرهنگی را در دوره‌ای گذار از سنت به مدرنیته که در حدود یک قرن پیش شروع شده را تجربه، و این تجربه توانسته تا قسمت بسیار زیادی از پیکرهی معماری ایرانی را دچار تغییر کند. و با در نظر داشتن گسستی که در دوره‌ی معاصر در فرهنگ غنی ایرانی، اسلامی ما رخ داده است؛ و می‌توان از آن به عنوان یک گذار نامطلوب از سنت به مدرنیته و یک قرائت نادرست از آن نام برد. پرسش‌ها: 1. چه عواملی در دوره‌ی معاصر بر پیکرهی معماری ایران اثرگذار بوده‌اند؟ 2. تغییر حکومت‌ها و تغییر نگرین‌ها به معماری تا چه میزان می‌تواند بر پیکره‌های آن تأثیرگذار باشد؟ 3. شاخصه‌های که مستقل از تغییر حکومت‌ها رخ می‌دهند تا چه میزان بر پیکره‌های معماری ایران اثرگذار هستند؟ اهداف تحقیق: بررسی عواملی فرهنگی که در دوره معاصر، معماری ایرانی را دچار دگرگونی کرده، که به نسبت تاریخ کهن معماری ایران و فراز نشیب‌های آن همچون نسیمی است که بر پیکره‌های معماری ایرانی می‌وزد، و بر آن اثر می‌گذارد؛ نمونه‌های از معماری ایرانی که در دوره‌ی معاصر شکل گرفته و فرهنگ غیر بومی بر آن اثرگذار بوده است را بررسی می‌کند. این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته، به این ترتیب که با بررسی کتابخانه‌ای کارهای انجام شده در این زمینه امکان توصیف آن‌ها به وجود آمده است. در ادامه می‌توان به این راه‌کار نیز اشاره نمود: که در معماری امروز ایران می‌توان پی‌جوی پیوند دوباره فرهنگ و سنت شد و به مدد هنر معماران ایرانی و همسویی تکنولوژی با الهام از معماری سنتی به معماری مطلوب دست یافت.

واژه‌های کلیدی: معماری ایرانی، سنت، معماری معاصر، اثرگذاری فرهنگی



## مقدمه

معماری همانند درختی است، تاثیرپذیر از آب و خاک و نسیمی که بر آن می‌وزد. [1] معماری به عنوان هنری که همواره مردم با آن ارتباط داشته و بر آن تأثیر گذاشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند می‌تواند دیده شود. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تاثیر شرایط متفاوت یک دوره بوجود آید مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به محض به وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات بوجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل بوجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان بر می‌دارند. [۲] زمینه‌های فرهنگی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری بسیار موثر می‌باشند، معماری معاصر ایران در بستری شکل‌گرفته که اثر گذاری‌های فرهنگی بر پیکره‌ی آن بسیار اثرگذار بوده‌اند.

## روش تحقیق

در این تحقیق به بررسی تاثیر فرهنگ بر معماری معاصر ایران پرداخته و اصول و مؤلفه‌های آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. اطلاعات مربوط را به روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری نموده، و به این ترتیب که با بررسی کتابخانه‌ای کارهای انجام شده در این زمینه امکان توصیف آن‌ها به وجود آمده است. این تحقیق بر آن است که اثرگذاری فرهنگ را بر پیکره‌ی معماری در دوران معاصر با استفاده از متغیرهای مطابقت و بررسی نماید.

## فرهنگ

فرهنگ را از جهتی به "فرهنگ مادی" و "فرهنگ معنوی" تقسیم کرده‌اند. [3] فرهنگ مادی همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آن‌ها می‌دانند؛ و فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان مطرح می‌کنند. اما آنچه در ماهیت فرهنگ اهمیت دارد آن است که بن‌مایه‌های فرهنگی از طریق اجتماع و آموزش قابل انتقال است، لذا فرهنگ شامل همه بن‌مایه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد در درون آن زاده و پرورده می‌شود و از این راه به او "هویت فرهنگی" ارزانی می‌شود، که کل‌گرایش‌های رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی رشد یافتن در یک فضای فرهنگی، نظامی از ارزش‌ها و معناها و هنجارهای رفتاری را چنان در ژرفای وجود فرد یا طبیعت او می‌نشانند که کل نظام رفتاری او را پدید می‌آورد، یعنی تمام خواستن‌ها و نخواستن‌هایش را در وجود او می‌سازد. حتی تمامی نظام طبیعی حسی او را چنان در خود فرو می‌گیرد که بوهاء، مزه‌ها، رنگ و آواهای خوشایند و ناخوشایند را نیز از راه نظام فرهنگی خود دریافت و ارزیابی می‌کند. [4]

یکی از معانی شگرف فرهنگ در زبان فارسی، تعبیر آن به قنات و کاریز است. صاحب واژه نامه برهان قاطع در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ که به تازی فرهنگ گویند، کاریز، قنات و دهانه آن است». با گشتی به گذشته و گذری بر زیست - بوم خشک فلات مرکزی ایران زمین، و توجه به اختراع منحصر به فرد قنات، در می‌بایم که فرهنگ یعنی آشکار نمودن و شکوفا ساختن استعدادهای نهفته‌ی و درونی؛ و آن ملتی با فرهنگ است که استعدادهای درونی را پیدا و هویدا سازد. نمایان ساختن استعدادهای نهفته‌ی انسان و محیط، توسعه و پیشرفت را به دنبال خواهد داشت. با این نگرش، به این حقیقت دست می‌یابیم که توسعه بدون فرهنگ میسر نخواهد شد. [5]



## فرهنگ و معماری

معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تاثیر می‌گذارد و آینه‌ای است از اندیشه‌های انسان در رابطه با فضا، زیبایی شناسی، و فرهنگ. جهت‌گیری فرهنگ‌ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل‌دهی به فضای زیست و پیدایش معماری موثر است. چرا که این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و این‌گونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می‌شوند. بنابراین معماری را قبل از اینکه یک تخصص فنی بدانیم یا از نظر هنری به آن بنگریم، باید به جنبه فرهنگی آن توجه کنیم. فضای معماری بر مبنای مفاهیم فرهنگی در عرصه زمان به رشد و تعالی می‌رسد و در بعد مکان تجلی می‌یابد. هنر به عنوان یک سیستم ارتباطی با زبان و فرهنگ در ارتباط می‌باشد و برای دریافت پیام موجود در آن، باید زمینه فرهنگی‌ای که هنر در مسیر آن بوجود آمده، مورد شناخت و مطالعه قرار گیرد، در غیر این صورت مفاهیم آن به خوبی قابل درک نخواهد بود. یکی از وظایف هنرمند در این میان آن است که افراد عادی را در جهت نظم بخشیدن به جهان فرهنگی شان یاری دهد. و در حقیقت هنرمند باید نشانه‌های طبیعت را با بیانی قوی‌تر و خواناتر برای مردم عادی به منصفه ظهور برساند و موانع را برای آنان رفع کند [6].

## رویارویی و اثرگذاری فرهنگ بر سنت

**سنت‌ها:** سنت، به معنای کامل و گسترده کلمه، رفتار جمعی آدمیانی است که با یکدیگر و با اتکاء یکدیگر اما متکی بر یافته‌ها و دانسته‌ها و اندوخته‌های پیشینیان می‌زیند را به رفتار و پنداشت و اندیشه‌ای که همگن با یکدیگراند و همسو و همگن دعوت می‌کند و، تا روزی که زمینه‌های این سه (رفتار، پنداشت و اندیشه) سست نشده‌اند، می‌پاید. [7] علی اکبر دهخدا در لغت‌نامه خود سنت را به معنای راه و روش، طریقه، قانون آیین، رسم و نهاد عنوان کرده است. سنت یک میراث ابدی است که هم به صورت عمودی یا زمانی (گذشته، حال یک حوزه تمدنی، جاری است و تمام ابعاد زندگی یک حوزه تمدنی را در بر می‌گیرد. سنت خود جزئی از فرهنگ است و به طور تاریخی، انتقال، آینده) و هم به صورت افقی و مکانی (صرف نظر از مسافت میان آن‌ها) در میان می‌آید و دلالت بر الگوهای دارد که به ارث رسیده و دچار تغییر و تحول می‌شوند، و در شکل‌دهی به هویت افراد نقش دارند [8].

اثرگذاری و نفوذ فرهنگی در یک جامعه‌ای سنتی می‌تواند تأثیرات بسیار وسیع و مهمی در افکار جامعه داشته و در پی آن در قسمت‌های دیگر خود را نشان دهد، از آن جمله می‌توان به عدم استفاده از هر عاملی که از سنت برخاسته می‌شود را در بر گیرد و استفاده از آن را مانعی برای حرکت بسوی جلو دانسته شود. و از این رو باعث غالب شدن فرهنگ‌های غریبه شود در معماری سنتی ایران تا قبل از دوران قاجار و بخصوص بعد از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه معماری از روش‌ها، آیین‌ها و رسوم پیشینیان و با سنجیدن زمان خود و به قید اندیشه بهره برده‌اند، و این بهره‌وری در زمینه‌های مختلف در طول زمان باعث بوجود آمدن فرهنگی شده که از دل جامعه بیرون آمده و شکل پیدا کرده است.

## تجددگرایی یا فرهنگ‌پذیری

**تجدد:** تجدد یا مدرنیته به معنی نو شدن، عوض شدن و جدید شدن است. اگر در سنت، بودن مطرح است در تجدد، شدن واجد اهمیت است. مدرنیزاسیون یعنی فرآیند دگرگونی اجتماعی که طی آن جامعه کمتر پیشرفته مختصات جامعه پیشرفته‌تر را به خود می‌گیرد. مدرنیزاسیون نوعی فرهنگ‌پذیری است. آشنایی ایرانیان با تجدد همانند بسیاری از جوامع دیگر، در ابتدا مانند حضور در یک مسابقه و مبارزه ناخواسته بود و این مبارزه با اجبار ناگزیر، همرا با اکراه، ایشان و نه با میل و اراده خود، بلکه بر حسب ضرورت و گاهی تصادف، صورت پذیرفت و آغاز گردید [9]. حضور در دوران جدید تاریخ جهان، برای ایران، در شرایطی صورت پذیرفت که



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

این دوران و الزامات آن بر تاریخ و بر مردم ایران تحمیل گردید، بطوری، حضور ایران در این دوران حضوری صرفاً جسمانی بوده است، و علت آن این بوده که، تجدد به معنی «تفکر در ماهیت دوران جدید تاریخ ایران» در ایران امکان پذیر نشد [10]. ورود معماری غربی به ایران، از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار یعنی از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (1847-1897 میلادی و 1227-1276 شمسی) صورت گرفت. تا پیش از این تاریخ معماری در ایران همواره از سنت الگو می‌گرفت. در گذشته اینجا جهان شرق و آنجا جهان غرب و اینجا بلاد اسلام و آنجا بلاد کفر بود، در نتیجه بلاد کفر نمی‌توانست منبع الهام ما باشد [11].

## تغییر حکومت‌ها و تغییر نگرستن به معماری

گذار از حکومتی به حکومت دیگر بر ابزارهای نظری، شکلی، ساختاری، زیبایی‌شناختی، کاربردی، مردم شناختی فرهنگی و اقتصادی خاصی متکی می‌شود که اصولاً معماری را، با تمامی پیوستگی‌ها و وابستگی‌هایش با جغرافیا و اقلیم دارای جامعیتی ماندگاری می‌بیند [12]. اثرگذاری‌های فرهنگی بوجود آمده در پی تغییر حکومت‌ها بر اثر تفاوت نگرش نسبت به پدیده‌های فرهنگی و نحوی مواجه با آن و توجه به فرهنگ قالب و مطلوب یک سرزمین می‌تواند در معماری منعکس شود. هر حکومتی با توجه به نگرشی که نسبت فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و نحوه مواجه با پدیده‌های فرهنگی دارد. می‌تواند بطور مستقیم در قسمت‌های متفاوت جامعه اثرگذار باشد و باعث بوجود آمدن فرهنگ جدید و یا ناملموس شود. و این تاثیرگذاری را می‌توان در تغییر حکومت‌های دوران معاصر به خوبی بررسی نمود.

**دوره قاجار:** آنچه در این دوران شاهد آنیم، التقاط یا ظهور اشکال دو رگه و به بیانی شکل‌گیری مفاهیم و شکل‌های هیبریدی است. ظهور اشکال و مفاهیم دو رگه با پدیده جهش‌های فرهنگی که در پی تداخل جهان‌های نامتجانس حاصل می‌شوند، در پیوند است. با تأمل بر هنر قاجار در می‌یابیم که هنرمندان آن دوره به روال فرهنگ ایرانی این‌گونه عمل نموده‌اند که فرهنگ بیرونی را در خود مستحیل سازند، نه خویشتن را در آن، و این یکی از ارزشمندترین رویکردهای هنر قاجاری است. از همین زمان است که در نقوش کاشی‌کاری‌ها و تذهیب‌های دوران قاجار، با طرح جدیدی به نام «گل فرنگی» آشنا می‌شویم. دیدگاه‌ها و نقطه نظرات بستر حاکم‌های دوره قاجار، شباهتی بی‌نظیر با دوره‌ی باروک فرانسه دارد. البته لازم به یادآوری است که در این مقایسه آنچه مدنظر قرار گرفته، تفکر حاکم در دربار و انعکاس آن از نظر مفهومی در معماری است. از مشخصه‌های بارز این دو می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: قدرت و خوش‌گذرانی، یک نظام مطلق و خشک و شهوانیات پُر زرق و برق ساخت کاخ و قصر، مشخصه‌ی بارز این دو دوره‌ی تاریخی است [13].

از زمان ناصرالدین شاه، با سفر شاه و درباریان به فرنگ، دربار ایران شیفته فرهنگ غربی شد و شخص شاه نیز علاقه وافری به خاندان سلطنتی اروپا، سرگرمی‌ها و تفریحات آنان و همچنین ساختمان‌های اروپایی پیدا کرد. از این زمان است که کشور ما به تدریج از جهان شرق پا به جهان غرب و توجه ما از لاهوت و سنت به ناسوت و غرب تغییر جهت یافت [14].

از بناهای مهم این دوره که در پی تاثیرپذیری فرهنگی سران حکومتی در اثر برخورد با جهان غرب پیدا کرده بودند و این تاثیر پذیری به طور مستقیم بر پیکره‌ی آنها بسیار مشهود بوده می‌توان به عمارت شمس‌العماره، کاخ ملیجک و مدرسه دارالفنون اشاره داشت. شمس‌العماره (شکل - 1) به عنوان اولین آسمان‌خراش تهران با نمای بیرونی اروپایی و قوس‌های رومی احداث شد. سایر ساختمان‌های دربار نیز با طرح‌ها و تزئینات فرنگی تغییر شکل داده شدند [15].

کاخ ملیجک: اگرچه این ساختمان توسط کارگران و بناهای ایرانی ساخته شده و مصالح آن آجر و تیر و تخته محلی است، ولی در ظاهر این بنا (شکل - 2) هیچ گونه آثاری از معماری ایران زمین دیده نمی‌شود. ستون‌ها، نرده‌ها، بازشوها، پله‌ها، تزئینات و به طور کلی ظاهر ساختمان شبیه ساختمان‌های سبک نئوکلاسیک در غرب است که سبک غالب در این دوره در اروپا بوده است [16].

مدرسه دارالفنون: در نمای این مدرسه (شکل - 3) که اولین ساختمان مهم ساخته شده در عصر ناصری است، برای اولین بار قوس‌های نیم دایره رومی، ستون‌های شبه کورنتین، ساعت و سنتوری مشاهده می‌شود. البته پلان ساختمان‌ها همچون مدارس قدیمیه به صورت حیاط مرکزی است و اتاق‌ها گرداگرد حیاط قرار دارند. لذا این ساختمان نه تنها اولین مدرسه در تهران و ایران است که در آن یافته‌های علمی اروپائیان به شیوه مدارس اروپائی تدریس می‌شود، بلکه ساختمان این مدرسه نیز اولین بنایی است که آغاز نفوذ معماری فرنگی در پایتخت را به نمایش می‌گذارد. [17].



شکل 1- شمس‌العماره (ویکی‌پدیا، 1386) شکل 2- کاخ ملیجک (ذاکرزاده، 1387) شکل 3- دارالفنون (ویکی‌پدیا، 1389)

## دوره‌ی پهلوی اول:

در این دوره، با پرهیز از تداوم سنت معماری قاجار، همچنین همزمانی با تحولات معماری مدرن، تمایل یافت. باز نمود «احیای تاریخی احساسات ملی گرایانه با بیان مدرن» نگاه فرهنگی به معماری به سمت فرهنگ در معماری، در این دوره، بر سه جریان استوار است: نخست، تداوم سبک‌های سنتی در طراحی و ساخت واحدهای مسکونی و بناهای آئینی، به خصوص در شهرهای متوسط و کوچک. دوم، تلفیق و ترکیب سطحی سبک نئوکلاسیک اروپایی یا روسی با عناصری از معماری ایرانی نظیر قوس‌های جناغی، مقرنس و مصالح سنتی معماری ایرانی نظیر کاشی و آجر و سوم، توجه به عناصر دوره‌ی تاریخی پیش از اسلام در معماری و ترکیب آنها با کاربری‌های امروزی [18].

سبک‌های معماری دوره رضاشاهی را می‌توان در سه گرایش تقسیم بندی نمود: تداوم معماری اواخر قاجار، سبک معماری اوایل مدرن، نئوکلاسیک اروپا با تلفیق موتیف‌های ایرانی (سبک ملی). اولین گرایش معماری این دوره را می‌توان همان معماری اواخر قاجار تلفیق عناصر وارداتی دانست. معماران سنتی در ایران بیشتر حامیان این گرایش بودند. دومین گرایش معماری این دوره (گرایش به معماری اوایل مدرن) عمدتاً از سوی معماران خارجی و تحصیلکردگان ایرانی در خارج از کشور حمایت می‌شد. معماری مدرن شکل گرفته در این دوره، در اصل معماری مدرنی بود که تحت تاثیر مکتب وین و هنر معماری اکسپرسیونیسم آلمان قبل از 1930 قرار داشت. سومین گرایش معماری، که در اصل می‌توان آن را سبک معماری دوره پهلوی اول نامید، معماری نئوکلاسیک اروپایی با تلفیق موتیف‌های ایرانی عمدتاً ایران باستان است. این سبک در دوران بعدی بخصوص در دوره‌ی پهلوی دوم، به‌عنوان «سبک ملی» نام‌گذاری شد [19].

همچنین دکتر صارمی در تقسیم بندی معماری دوره‌ی پهلوی اول معتقد است: در یک تقسیم بندی کلی چهار نوع عطف تاریخی مشاهده می‌شود: 1. ادامه راه گذشتگان و سیر تاریخی معماری 2. توجه آگاهانه به معماری پیش از اسلام 3. توجه به معماری پیش از مدرن غرب 4. ترکیب معماری پیش از اسلام، معماری دوران اسلامی و معماری پیش از مدرن اروپا [20].

در این رابطه و با توجه به این مورد که تغییر حکومت‌ها می‌توانند به صورت مستقیم بر پیکره معماری اثرگذار باشد، تغییر نگرستن به معماری در دوره‌های حکومتی متفاوت و از جمله پهلوی اول را می‌توان تاثیر پذیری از فرهنگ غرب و استفاده از عناصر معماری دوره‌های گذشته و بخصوص دوره پیش از اسلام که در تصاویر 4 و 5 و 6 به قسمتی از آنها اشاره شده توجه داشت. از این رو می‌توان تاثیر مستقیم و بدون واسطه تغییر فرهنگ، و بازتاب آن بر پیکره معماری را مشاهده نمود.



شکل 6 - استفاده از نقش فروهر در ساختمان بانک ملی ( ماخذ: همان).



شکل 5 - نقش برجسته (گریفین و گل‌های نیلوفر بصورت قرینه) بکار رفته در بنای وزارت امور خارجه با تقلید از نقش برجسته‌های دوران هخامنشی ( ماخذ: همان).



شکل 4 - نقش برجسته سرباز هخامنشی ( ماخذ: علی اصغر شیرازی و میلاد یونسی 1390).

یکی از اثرگذارترین رویدادهای در دوره‌ی پهلوی اول که تاثیر بسیار زیادی از لحاظ فرهنگی بر معماری معاصر ایران گذاشته ورود آرشیوتکت خارجی و گسترش بکارگیری مصالح جدید در آن دوره بود. امیر بانی مسعود در کتاب معماری معاصر ایران، در این باره می‌نویسد: یکی از مهم‌ترین رویدادهای معماری دوره پهلوی اول، حضور گسترده‌ی شرکت‌ها و مهندسان معمار اروپایی است که از طرف دولت دعوت شده بودند، تا در ساخت ایران نوین کمک کنند. حجم انبوه کارهای عمرانی از یک طرف و ظهور عملکردهای جدید و عدم وجود متخصصین در ایران از سوی دیگر باعث شده بود که اکثریت کارهای عمرانی این دوره در دست مهندسان خارجی به‌ویژه اروپایی، روسی و معدودی معمار و مهندس ایرانی قرار گیرد. یکی دیگر از تاثیرات جنبی احداث ساختمان‌های دولتی، افزایش چشم‌گیر انواع مصالح ساختمانی بود که استفاده از برخی از آنان در ایران رواج داشت و استفاده از برخی دیگر از این مصالح در همین زمان پذیرفته شد. مصالح جدید، به ویژه بتن و فولاد و شیشه، و روش‌های نوآورانه در اجرای سازه، جایگزین مصالح و روش‌های قدیمی شد. از مهم‌ترین دستاوردهای فنی این دوره‌ی ساختمان‌سازی، بکارگیری سیمان و بتن و نیز معرفی سیستم‌های مدرن و سیستم حرارتی مرکزی برای ساختمان‌ها بوده است [21].

استفاده از مصالح جدید باعث تغییری اساسی در شکل و نحوه مواجهه معماری این دوره با بسیاری از موارد از جمله اقلیم شد. به این شکل که با استفاده از سیستم‌های حرارتی به بسیاری از راهکارهای اقلیمی مورد استفاده در معماری سنتی پایان داده شد.

## اقلیم و معماری ایرانی

ایرانیان در طول تاریخ چند هزار ساله معماری این سرزمین سعی نموده بودند تا با تدابیر گوناگون، در کنار طبیعت پیرامون محیطی را بوجود آورده که باشند یا مصرف کننده در هر فصل و در هر ساعت روز بتواند آسایش نسبی را با توجه به زمان



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

بهره‌گیری از فضای مورد نظر داشته باشد. او بدون هیچ وسیله‌ای مکانیکی که به محیط خود و دیگران لطمه زیست محیطی وارد نماید در زیر زمین تابستان گرم را به بهاری خنک تبدیل می‌نماید. از هنگام کنار گذاردن معماری سنتی ایران و ورود برخی مظاهر معماری غربی به ایران، آنچه ساخته شده پاسخگوی اقلیم، فرهنگ و شرایط زلزله خیز ایران نیست. آنچه در ایران پیش از دوره‌ی پهلوی اول ساخته می‌شد بر اساس تجربیات چندین قرن و سازگار با شرایط اقلیمی ایران بود. اما آنچه پس از آن ساخته شد ساختمان‌های بود که در تابستان کوره‌های گرم و در زمستان‌ها به سردخانه‌های بسیار سرد تبدیل می‌شوند. با توجه به کشف نفت و دیگر فراورده‌های آن و واردات وسایل مکانیکی خنک کننده این مشکل بنظر حل شده می‌آمد اما بحران‌های دیگری چون آلودگی هوا و مصرف بالای مواد سوختنی جامعه ما را به سوی صرفه جویی سوق داده هرچند هنوز این موضوع به یک فرهنگ عمومی تبدیل نشده است [22].

## از معمار تا آرشیتکت

اهمیت دادن به خیال تخیل خالق هنرمند در آفرینش اثر هنری و شکل‌گیری مفهوم معمار-طراح در تقابل با معمار استادکار(بنا). با اینکه اولین معمار-طراحان تحصیل کرده ایران در غرب، در اواخر دوره قاجار شروع به کار طراحی کردند، با این حال- شکل‌گیری و گسترش رسمی پدیده معمار-طراح(آرشیتکت) را می‌توان از حوالی سال 1314 به بعد با فروکش کردن اقتدار سیاسی جهت‌دار در معماری و در نتیجه طرح مفهوم سلیقه آزادانه معمار در طراحی دانست [23]

ظهور مصالح جدید مستلزم شکل‌گیری مهندسی جدید بود که ساختمان را به‌عنوان پدیده‌ای فنی عمرانی به همراه زیبایی‌شناسی مینی‌مالیستی آن ملاحظه می‌کرد. لذا آنچه باعث شکاف عظیمی بین معمار در معنای سنتی آن و آرشیتکت به‌معنای کسی وارد به مهندسی ساختمان به همراه زیباشناسی آن بود.

## دوره‌ی پهلوی دوم

در دهه‌های 30 و 40، بر اثر پیدایش نوعی حس ملی‌گرایی جهان‌سومی، در برابر امپریالیسم غرب و محبوبیت در حال افزایش فرهنگ عامه‌پسند غربی که باعث مسموم کردن اخلاقیات ناب جامعه ایرانی شده بود، تصمیمی همگانی برای حفظ منش‌ها و ارزش‌های بومی ایران در برابر فراگیری گسترده غرب به وجود آمد. [24]. بوم‌گرایی این دوره در باورهای عمیقی چون مقاومت در برابر فرهنگ غیر، ارج نهادن به هویت اصیل و راستین قومی خویش، و آرزوی بازگشت به «سنت فرهنگی آلوده نشده بومی» ریشه داشت [25].

فرآیند نوسازی به شیوه‌ی غربی که در عصر رضاشاه توسعه یافته و در بعضی زمینه‌ها آغاز شده بود، در دوره‌ی محمد رضاشاه ادامه یافت و دگرگونی‌های عمده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بر جای گذاشت. با گسترش و صنعتی شدن کشور، ساختار جمعیتی متحول شد و به تبع آن تحولاتی فرهنگی پدید آمد. طبقات سنتی رو به افول نهادند و قشرهای جدید اجتماعی با تکیه جنبه‌های مختلف تجدد، وارد صحنه شدند. زندگی سیاسی و فرهنگی بر پایه‌ی دیدگاه‌های غیر سنتی بنیان گذاشته شد و روند اصلی زندگی فرهنگی این قشر متمایل به تجددخواهی سکولار گردید. رشد طبقه متوسط جدید، از دیگر پیامدهای نوسازی محمدرضاشاه بود. برنامه‌ی فرهنگی شاه از دو عنصر متفاوت تشکیل می‌شد: از یک سو، احیای فرهنگ کهن ایرانی و تلاش همه جانبه برای بزرگ‌نمایی آن به‌عنوان «زیباترین بخش فرهنگ منحصراً ایرانی» و همچنین ترویج ایدئولوژی «بازگشت به خویشتن باستانی» [26].

## توجه به تاریخ و فرهنگ گذشته در آثار معماری

از آنجا که در این دوره، آگاهی‌های تازه‌ای نسبت به تاریخ معماری ایرانی بدست آمده بود، بسیاری از اجزاء و موتیف‌های سبک‌های گذشته توسط معماران مورد تقلید قرار می‌گرفت. البته در بررسی آثار این معماران باید در نظر داشت که آنها صرفاً به تقلید مستقیم گذشته توجه نداشته‌اند بلکه کار آنها بیشتر جنبه خودشناسی و استقبال از آینده داشت (نوعی تظاهر به احیای گذشته در قالبی کاملاً مدرن). الف-گروهی از این معماران از اشکال و عناصر معماری دوره اسلامی ایران بصورت مستقیم در کالبد بناهایشان استفاده می‌کردند معمارانی چون کامران دیبا در بنای موزه هنرهای معاصر (شکل-10) به سال 1346 و یا حسین امانت در ساختمان میراث فرهنگی کل کشور (شکل-8) به سال 1355 با بکارگیری مستقیم عناصر و موتیف‌هایی از معماری گذشته ایران چون بادگیرها، گنبدها، قوس‌ها، نورگیرهای سقفی بازارهای ایرانی و آجر- به عنوان ساخت‌مایه اصلی معماری ایرانی- در کلیتی مدرن این مهم را به انجام رساندند. ب-گروه دیگری از آنها با اعمال تغییراتی کیفی در عناصر و موتیف‌های معماری اسلامی ایران، در بیانی استعاره‌ای و غیرمستقیم این عناصر را به شکل دگرگون شده‌ای در طرح‌های خود بکار می‌گرفتند. عده‌ای از آنها همچون «هوشنگ سیحون»

بعنوان مثال در «مقبره خیام» (شکل-9) که در سال 1337 شمسی طراحی شده و یا همچون «علی سردار افخمی» در بنای «تئاتر شهر» (شکل-7) که به سال 1346 طراحی شد، از طریق توجه و تاکید بر هندسه خاص معماری اسلامی- ایرانی (ایجاد طرح هندسی راهنما و طرح ریزی پلان و نما براساس آن)، بکارگیری احجام و تزئینات هندسی در طرحی یادمان‌های و با بیانی غیرمستقیم، حال و هوای آشنایی را در طرح‌هایشان ایجاد کردند [27].



شکل 10- موزه هنرهای

معاصر (ماخذ:

zorwan.persianblog.ir



شکل- 9 مقبره

خیام



شکل 8- سازمان میراث

فرهنگی کل کشور

(ماخذ: 1388 امیر بانی

مسعود).



شکل 7- تئاتر شهر

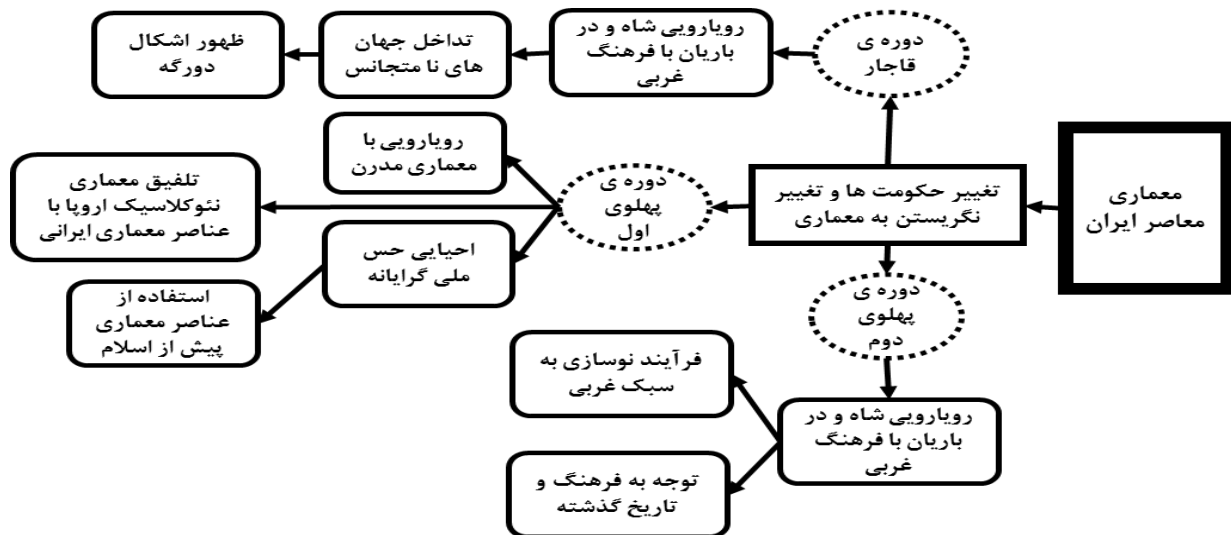
(ماخذ- theater-

.(bijar.blogfa.com



## معین نبودن معیارهای علمی برای شناخت و سنجش و برای آموزش معماری در ایران

معماری ایرانی با این پدیده بسیار مهم روبه‌رو گشت که دانشمندانی بسیار علاقمند به هنر معماری ایران، بیش‌تر به زبان انگلیسی و بعد فرانسوی و ایتالیایی، کتاب‌های در شرح و وصف معماری نگاشتند که، اگر به تمام آن‌ها، دست‌کم بخش بزرگی از نوشتارهای‌شان به زبان پارسی برگردانیده و چاپ شد. در آن زمان که ترجمه آثار معماری آغاز شد و تاکنون ادامه دارد خواهی به دلیل حرمت‌گذاری و خواهی به ساده دلی، هیچ‌کس کتاب‌های و گزارش‌ها معماری متعلق به فضای فکری سده‌های هژدهم و نوزدهم اروپا را که با تاخیر و در هر حال برای ایرانیان نیز نوشته می‌شدند، چنان که باید نقد نکرد. یک‌باره به میدان روزمره آمدن تعداد پرشماری از داده‌های تعیین‌کننده شکل و ساختار و فاقد هویت محلی و هماهنگی‌های محیطی\_ نخست در پایتخت و سپس در هر شهری که برای صنعتی شدن راه گشوده است. در این زمینه، نه غافلگیر شدن معماران نوحاسته و نوپرداز، که لخت ماندن و نادیده گرفتن نسیمی که جهانی و طعم تحولی بزرگ را داشت مطرح است [28]. و یا در دهه‌های اخیر با توجه به سخنان عیسی حجت به مشخص نبودن معیارهای مناسب در آموزش معماری اشاره داشت. آنچه در برخی دانشکده‌های معماری اتفاق می‌افتد در حد آشنا کردن دانشجویان با انواع سبک‌های معماری به اصطلاح مدرن است، حال آن که آشنا کردن آنان با انواع معماری و رها کردنشان بدون ارائه معرفتی که در آن سمت و سوی ارزشی و هویت معماری روشن شود، موجب سرگردانی آنان در وادی بی‌معیاری و باعث بی‌فروغی آموزش است [29]. سالینگروس در بیان مبتلابه اغلب جوامع معماری، با بیان این پرسش که یک دانشجوی جوان در مسیر معمار شدن چه یاد می‌گیرد، می‌گوید « آیا به عنوان مثال همان طوری که در مبانی زیست‌شناسی و پزشکی می‌بینیم، در معماری هم مجموعه منسجمی از اطلاعات و معلومات وجود دارد که بتواند مرجع قرار گیرد؟ [30]. یکی از دلایلی که وی در باب این بی‌معیاری بیان می‌دارد، نا آگاهی و بی‌اطلاعی یا سرپیچی عمدی معماران از قوانین و به بیان دیگر امور ثابتی است که می‌توان از معماری گذشته آموخت و آن را در معماری امروز تداوم داد. [31]



شکل 11- بررسی معماری معاصر ایران (ماخذ: نگارندگان).



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

## نتیجه‌گیری

بستر معماری همواره در طول دوران‌های متفاوت دستخوش تغییرات فراوانی شده، (شکل-11) بطوری که معماری در هر دوره متناسب با فرهنگ و شرایط خود شکل گرفته. معماری ایران در دوره‌ی قاجار تاثیر بسیار زیادی از نظر فرهنگی را تجربه کرده به نحوی که این اثرگذاری توانسته تاثیر بسیار زیادی بر پیکره‌ی معماری بگذارد، با مواجه شاه و درباریان قجری با فرهنگ و هنر غربی، شیفته آن شده و می‌توان تاثیر آن بطور مستقیم بر معماری ساختمان‌های دولتی و سلطنتی و در ادامه در بناهای عمومی مشاهده نمود. در نتیجه می‌توان پدیده‌های فرهنگی را عامل اصلی و تاثیرگذار، بر پیکره معماری این دوره‌ی تاریخی محسوب نمود. به این ترتیب در این دوره اولین گام‌های ورود معماری غربی به ایران و گسترش آن برداشته شد. در دوران پهلوی نیز احیای احساس ملی‌گرایانه و استفاده از عناصر معماری پیش از اسلام و به دنباله آن رویارویی با معماری مدرن به صورت موجی فراگیر را از جمله عوامل اصلی اثرگذار بر معماری می‌توان عنوان نمود. تلاش برای رسیدن به هویت را از اساسی‌ترین اهداف معماری دوره‌ی پهلوی دوم می‌توان نام برد. نکته قابل بررسی توجه به فرهنگ و تاریخ و استفاده از عناصر معماری سنتی در برخی آثار معماران این دوره قابل مشاهده می‌باشد.

## مراجع

- [1] فلامکی، م. اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران 1391.
- [2] دیبا، د. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، مجله فرهنگ و معماری، تهران، شماره اول، 1387.
- [3] آشوری، د. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. انتشارات آگاه، تهران، 1381.
- [4] پوردیپیمی، ش. فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، تهران، شماره 134، 1390.
- [5] فلاحی، ک. به فرهنگ و رای به شایستگی، گزارش گفتگو، شماره 8، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، 1382.
- [6] دیبا، د. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران.
- [7] فلامکی، م. ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، نشر فضا، تهران 1393.
- [8] گیدنز، آ. جهان رها شده: گفتارهایی درباره‌ی یکپارچگی جهانی، انتشارات علم و ادب، مترجم: علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران 1379.
- [9] غنی نژاد، م. تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، نشر مرکز، تهران 1377.
- [10] طباطبایی، ج. درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در ایران، انتشارات کویر، تهران 1372.
- [11] قبادیان، و. معماری دارالخلافة ناصری، نشر پشتون، تهران 1383.
- [12] فلامکی، م. اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی.
- [13] بانی مسعود، ا. معماری معاصر ایران، نشر هنر معماری قرن، تهران 1391.
- [14] قبادیان، و. معماری دارالخلافة ناصری، ص 47.
- [15] همان، ص 46.
- [16] همان، ص 205-213.
- [17] همان، ص 8.
- [18] سلطان زاده، ح. بازتاب سنت در معماری معاصر ایران، معماری و شهرسازی، شماره 84، تهران 1385.
- [19] بانی مسعود، ا. معماری معاصر ایران، ص 182.
- [20] صارمی، ع. ارزش‌های پایدار در معماری ایران، میراث فرهنگی کشور، دفتر ششم، تهران 1376.
- [21] بانی مسعود، ا. معماری معاصر ایران، ص 184.
- [22] معماریان، غ. م. سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، تهران 1391.



# اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

- [23] مختاری، ا. میراث معماری مدرن در ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران 1390.
- [24] نبوی، ن. روشنفکران و دولت در ایران، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه کتاب، تهران 1388
- [25] بروجرده، م. روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شه‌میرزادی، نشر فرزانه روز، تهران 1387.
- [26] بانی‌مسعود، ا. معماری معاصر ایران، ص 210.
- [27] میری نژاد، س. رمانتیسیم در معماری معاصر ایران، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، تهران، دوره 18، شماره اول، 1392.
- [28] فلامکی، م. اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی.
- [29] حجت، ع. آموزش خلاق - تجربه، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، تهران، شماره 18، 1383.
- [30] سالی‌نگروس، ن. یک نظریه معماری، ترجمه: سعید زرین مهر و زهیر متکی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران 1387.
- [31] همان، ص 383.